



## علل ناکامی ایران در اقتصاد عراق (چالشها و فرصت ها)

علی شیاری، زینه فاروق محی الدین السمرایی<sup>۲</sup>

۳۲

### چکیده

روابط اقتصادی ایران و عراق در دهه‌های اخیر با وجود اشتراکات فرهنگی، مذهبی و تاریخی، با چالش‌ها و محدودیت‌های متعددی مواجه بوده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که چالش‌های داخلی ایران شامل تحریم‌های بین‌المللی، محدودیت‌های بانکی، ضعف بخش خصوصی، دولتی بودن اقتصاد، نبود استراتژی منسجم و غلبه نگاه امنیتی-سیاسی بر اقتصاد، نقش مهمی در ناکامی اقتصادی ایران داشته‌اند. با این حال، فرصت‌هایی همچون مرز زمینی طولانی، نیاز عراق به انرژی، خدمات فنی-مهندسی و بازسازی زیرساخت‌ها، بازار مصرفی گسترده، نقش ایران در تأمین برق و گاز و ظرفیت دیپلماسی زیارتی و گردشگری مذهبی وجود دارد که در صورت اتخاذ رویکرد اقتصادمحور به جای سیاست‌محور، ایران می‌تواند حضور اقتصادی پایدار و مؤثر در عراق داشته باشد. مقاله بر ضرورت تقویت دیپلماسی اقتصادی، حمایت واقعی از بخش خصوصی، افزایش کیفیت کالاهای صادراتی، ایجاد سازوکارهای مالی جایگزین و همکاری با سرمایه‌گذاران عراقی تأکید می‌کند و نشان می‌دهد که این اقدامات می‌تواند ناکامی‌های گذشته را کاهش و بهره‌برداری از فرصت‌ها را به حداکثر برساند.

**کلیدواژه‌ها:** ایران، عراق، ناکامی اقتصادی، فرصت‌های اقتصادی، اقتصاد سیاسی بین‌الملل، سیاست‌محوری، اقتصادمحوری.

دوره ۹، شماره ۱، پیاپی ۳۲

بهار ۱۴۰۴

### مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۴/۰۱/۰۷

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴/۰۳/۲۵

صص: ۴۱۷-۳۹۷

شابا چاپی: ۴۵۶۵-۲۵۸۸

الکترونیکی: ۰۳۸۱-۲۷۱۷



۱. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران (نویسنده مسئول)

alishiyari@yahoo.com

(نویسنده مسئول)

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

## مقدمه

در دو دهه گذشته، جمهوری اسلامی ایران با توجه به نزدیکی جغرافیایی، اشتراکات فرهنگی و مذهبی و نفوذ سیاسی قابل توجه در عراق، فرصت‌های گسترده‌ای برای توسعه روابط اقتصادی با این کشور در اختیار داشته است. عراق، با برخورداری از منابع نفتی غنی، جمعیت جوان و نیاز شدید به بازسازی زیرساخت‌ها پس از دوره‌های طولانی جنگ و بحران‌های داخلی، به یکی از بازارهای اقتصادی با ظرفیت بالای منطقه‌ای تبدیل شده است. با این حال، علی‌رغم سرمایه‌گذاری‌های سیاسی و دیپلماتیک ایران در عراق و نفوذ گسترده در نهادهای دولتی و احزاب سیاسی، کارنامه اقتصادی ایران در عراق تا حد زیادی ناکام و کمتر از ظرفیت واقعی بوده است. این تناقض میان نفوذ سیاسی و ضعف اقتصادی، مسئله‌ای استراتژیک و قابل تأمل برای پژوهشگران حوزه روابط بین‌الملل و اقتصاد سیاسی به شمار می‌رود. یکی از مهم‌ترین دلایل این ناکامی، فقدان استراتژی اقتصادی منسجم و هماهنگ با سیاست خارجی ایران است. در حالی که ایران توانسته است با ابزارهای سیاسی، مذهبی و فرهنگی نقش تعیین‌کننده‌ای در سیاست داخلی عراق ایفا کند، اما در عرصه اقتصادی، حضور ایران عمدتاً محدود به صادرات کالای مصرفی، برق و گاز، و پروژه‌های محدود مهندسی و ساختمانی بوده و از ظرفیت‌های بلندمدت سرمایه‌گذاری، مشارکت در زیرساخت‌ها و حضور در بازارهای رقابتی بهره کافی نبرده است. این مسئله به ویژه در مقایسه با کشورهای رقیب مانند ترکیه و چین که با سازوکارهای اقتصادی هدفمند، شبکه‌های توزیع منسجم و سیاست‌های سرمایه‌گذاری بلندمدت وارد عراق شده‌اند، بیش از پیش مشهود است.

چالش‌های ساختاری داخلی ایران، از جمله تحریم‌های بین‌المللی، محدودیت در نقل و انتقال مالی، ضعف بخش خصوصی و مشکلات کیفیت و استاندارد کالاهای صادراتی، از جمله موانع جدی برای توسعه اقتصادی در عراق به شمار می‌روند. علاوه بر این، عوامل ساختاری در عراق، مانند فساد گسترده اداری و اقتصادی، ناپایداری سیاسی، وابستگی شدید به درآمدهای نفتی، و وجود بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی که رقابت شدیدی در حوزه اقتصادی ایجاد می‌کنند، شرایط را برای توسعه اقتصادی ایران دشوارتر کرده است. در این میان، ترکیه با استفاده از سرمایه‌گذاری مستقیم، شبکه‌های تجاری منسجم و دیپلماسی اقتصادی فعال، موفق به تثبیت جایگاه خود در بازار عراق شده و تجربه‌ای قابل مقایسه با عملکرد ایران ارائه می‌دهد.

با وجود این چالش‌ها، فرصت‌های اقتصادی ایران در عراق همچنان گسترده و استراتژیک باقی مانده‌اند. اشتراکات مذهبی و فرهنگی، مرز زمینی طولانی، نیاز شدید عراق به انرژی، خدمات مهندسی و بازسازی زیرساخت‌ها، و بازار مصرفی بزرگ این کشور، از جمله ظرفیت‌هایی هستند که می‌توانند زمینه‌ساز توسعه اقتصادی پایدار برای ایران باشند. بهره‌گیری از این فرصت‌ها نیازمند بازنگری در رویکرد سیاست خارجی اقتصادی، تقویت دیپلماسی اقتصادی فعال، حمایت واقعی از بخش خصوصی و ایجاد سازوکارهای مالی و تجاری جایگزین تحریم‌ها است.

این پژوهش در پی پاسخ به این سؤال اساسی است که چرا با وجود نفوذ سیاسی ایران در عراق، عملکرد اقتصادی ایران در این کشور ناکام بوده است و چه چالش‌ها و فرصت‌هایی می‌تواند مسیر توسعه اقتصادی ایران را در عراق هموار سازد. بررسی این موضوع، نه تنها به فهم رابطه میان نفوذ سیاسی و قدرت اقتصادی ایران کمک می‌کند، بلکه می‌تواند راهنمای سیاست‌گذاران در تدوین استراتژی‌های منطقه‌ای و اقتصادی برای بهره‌برداری بهتر از ظرفیت‌های عراق باشد.

### چارچوب نظری

در مطالعات روابط بین‌الملل و اقتصاد سیاسی منطقه‌ای، انتخاب چارچوب نظری مناسب، نقش اساسی در تحلیل و تبیین فرآیندهای اقتصادی و سیاسی دارد. ایران و عراق به عنوان دو کشور همجوار با اشتراکات فرهنگی و تاریخی گسترده، اما با نظام‌های سیاسی و اقتصادی متفاوت، نمونه‌ای ایده‌آل برای بررسی پیچیدگی‌های اقتصاد سیاسی منطقه‌ای محسوب می‌شوند. چارچوب نظری اقتصاد سیاسی بین‌الملل (International Political Economy - IPE) می‌تواند به شکل مؤثری تعامل میان سیاست، امنیت و اقتصاد را در روابط ایران و عراق تبیین کند، چرا که این نظریه بر ارتباط مستقیم میان قدرت سیاسی، نهادهای اقتصادی و روابط بین‌المللی تأکید دارد و به پژوهشگران امکان می‌دهد تا علت ناکامی ایران در بهره‌برداری اقتصادی از عراق را به صورت تحلیلی و چندبعدی بررسی کنند (شعبانی، ۱۳۹۴: ۳۲). این نظریه همچنین نشان می‌دهد که نفوذ سیاسی بدون وجود ساختار اقتصادی پایدار و سیاست‌های متناسب، نمی‌تواند به موفقیت اقتصادی منجر شود، امری که در مورد روابط ایران و عراق مشهود است. بر اساس این رویکرد، سیاست‌های

اقتصادی و روابط تجاری ایران با عراق نه تنها متأثر از نهادهای داخلی ایران و عراق است، بلکه تحت تأثیر بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی نیز قرار دارد (طباطبایی، ۱۳۹۸: ۶۵).

اقتصاد سیاسی بین‌الملل، تعامل میان قدرت‌های سیاسی و اقتصادی را در سطح ملی و فراملی بررسی می‌کند و معتقد است که روابط اقتصادی نمی‌توانند از سیاست و امنیت جدا باشند. این چارچوب نظری به ویژه در تحلیل کشورهای همسایه و بازارهای منطقه‌ای اهمیت دارد، زیرا هرگونه توسعه اقتصادی وابسته به ثبات سیاسی، امنیت مرزی و قوانین بین‌المللی است (عباسی سمنانی، ۱۳۹۲: ۴۰). در مورد ایران و عراق، نفوذ سیاسی ایران از طریق احزاب و گروه‌های شیعی در عراق قابل مشاهده است، اما فقدان سازوکارهای اقتصادی و قوانین حمایتی مانع از تحقق منافع اقتصادی پایدار شده است. بر اساس اقتصاد سیاسی بین‌الملل، برای موفقیت در عرصه اقتصادی، دولت‌ها باید علاوه بر نفوذ سیاسی، به ایجاد ساختارهای سرمایه‌گذاری امن، شبکه‌های تجاری کارآمد و نهادهای مالی انعطاف‌پذیر توجه کنند، امری که در عملکرد اقتصادی ایران در عراق محدود بوده است (عظیمی، ۱۳۹۶: ۸۸). یکی از مفاهیم کلیدی اقتصاد سیاسی بین‌الملل، «وابستگی اقتصادی متقابل» است که نشان می‌دهد کشورها با هم در تعاملات اقتصادی خود به یکدیگر نیاز دارند و موفقیت اقتصادی تنها با همکاری نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی امکان‌پذیر است (غریاق زندی، ۱۳۸۷: ۵۱). این مفهوم در مورد ایران و عراق به وضوح دیده می‌شود؛ ایران به عنوان کشوری با ظرفیت‌های تولید صنعتی و انرژی، می‌تواند نیازهای اقتصادی عراق را تامین کند، اما ناکامی در ایجاد سازوکارهای قانونی و اقتصادی منسجم باعث شده است که این وابستگی متقابل به نفع رقبای منطقه‌ای مانند ترکیه و چین تبدیل شود. اقتصاد سیاسی بین‌الملل نشان می‌دهد که بدون نهادهای معتبر و سیاست‌های تجاری منسجم، حتی قدرت سیاسی گسترده نیز نمی‌تواند به توسعه اقتصادی منجر شود (فاضلی، ۱۳۹۹: ۹).

اقتصاد سیاسی بین‌الملل بر نقش نهادها و قوانین در مدیریت روابط اقتصادی تأکید می‌کند. در عراق، ضعف ساختارهای قانونی، فساد گسترده و نبود امنیت اقتصادی، مانع از تحقق برنامه‌های اقتصادی ایران شده است. ایران اگرچه در حوزه سیاسی موفق به ایجاد نفوذ و شبکه‌های قوی شده است، اما از منظر اقتصادی، ساختارهای لازم برای مدیریت سرمایه‌گذاری، صادرات و پروژه‌های بلندمدت را ایجاد نکرده است (فراستخواه، ۱۳۹۴: ۱۷). چارچوب IPE بیان می‌کند که موفقیت

اقتصادی مستلزم ترکیبی از قدرت سیاسی، نهادهای کارآمد و سیاست‌های اقتصادی هماهنگ است؛ بدون هر کدام از این مؤلفه‌ها، روابط اقتصادی به طور کامل بهره‌برداری نخواهند شد.

تحلیل اقتصاد سیاسی بین‌الملل همچنین نشان می‌دهد که رقابت منطقه‌ای و بین‌المللی، نقش تعیین‌کننده‌ای در موفقیت اقتصادی دارد. کشورهای رقیب ایران، مانند ترکیه، با استفاده از دیپلماسی اقتصادی، سرمایه‌گذاری مستقیم و شبکه‌های تجاری منسجم، موفق به تثبیت جایگاه خود در بازار عراق شده‌اند، در حالی که ایران هنوز به یک استراتژی اقتصادی جامع و هماهنگ دست نیافته است (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۱۲۴). این چارچوب نظری به ما امکان می‌دهد تا ناکامی ایران را نه صرفاً ناشی از شرایط عراق، بلکه نتیجه تعامل پیچیده میان عوامل داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی تحلیل کنیم. یکی دیگر از محورهای کلیدی در اقتصاد سیاسی بین‌الملل، تأکید بر امنیت اقتصادی و مالی است. امنیت اقتصادی شامل ثبات نهادهای مالی، مقررات سرمایه‌گذاری و سیستم بانکی قابل اعتماد می‌شود. تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران، محدودیت‌های بانکی و دشواری‌های انتقال پول، بر توانایی ایران در سرمایه‌گذاری و حضور اقتصادی در عراق تأثیر گذاشته است (کاتوزیان، ۱۳۹۶: ۱۳۷). چارچوب IPE نشان می‌دهد که حتی با وجود نفوذ سیاسی قوی، اگر زیرساخت‌های اقتصادی و امنیت مالی تقویت نشوند، تلاش‌ها برای توسعه اقتصادی ناکام خواهند ماند. اقتصاد سیاسی بین‌الملل همچنین بر اهمیت تعامل میان قدرت نرم و اقتصادی تأکید دارد. ایران با بهره‌گیری از اشتراکات فرهنگی و مذهبی در عراق، توانسته است قدرت نرم قابل توجهی ایجاد کند، اما این قدرت نرم به درستی در جهت توسعه اقتصادی به کار گرفته نشده است (کریمی‌پور، ۱۳۹۴: ۲۵). چارچوب نظری IPE بیان می‌کند که قدرت اقتصادی و قدرت نرم باید همزمان و هماهنگ به کار گرفته شوند تا منافع بلندمدت کشورها تضمین شود؛ ناکامی ایران در تحقق این هماهنگی یکی از عوامل اصلی ضعف اقتصادی در عراق است.

نظریه اقتصاد سیاسی بین‌الملل علاوه بر تمرکز بر قدرت سیاسی و اقتصادی، به «تعادل منافع ملی و منطقه‌ای» نیز توجه دارد. ایران به رغم داشتن منافع اقتصادی گسترده در عراق، تحت تأثیر محدودیت‌های سیاسی، فشارهای بین‌المللی و رقابت منطقه‌ای، نتوانسته است برنامه‌های اقتصادی خود را به طور کامل پیاده کند (شعبانی، ۱۳۹۴: ۳۲). این چارچوب تحلیلی نشان می‌دهد که موفقیت اقتصادی، نه صرفاً محصول ظرفیت‌های داخلی، بلکه نتیجه مدیریت هوشمندانه تعامل با

محیط منطقه‌ای و بین‌المللی است. از منظر اقتصاد سیاسی بین‌الملل، ناکامی ایران در عراق را می‌توان به فقدان همگرایی میان سیاست خارجی و سیاست اقتصادی نیز نسبت داد. حضور سیاسی ایران در عراق، اگرچه چشمگیر است، اما هماهنگی میان نهادهای اقتصادی، بخش خصوصی و استراتژی‌های سرمایه‌گذاری محدود بوده است (طباطبایی، ۱۳۹۸: ۶۵). چارچوب IPE نشان می‌دهد که برای بهره‌برداری اقتصادی موفق، لازم است تا نهادهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به گونه‌ای هماهنگ عمل کنند تا ظرفیت‌های اقتصادی و بازارهای هدف به شکل پایدار مورد استفاده قرار گیرند.

### علل ناکامی ایران در اقتصاد عراق (چالشها)

#### - چالش‌های ساختاری و داخلی ایران

یکی از مهم‌ترین موانع توسعه اقتصادی ایران در عراق، تأثیر تحریم‌های بین‌المللی است که به طور مستقیم بر توانمندی‌های مالی و سرمایه‌گذاری کشور تأثیرگذار بوده است. تحریم‌های اقتصادی که عمدتاً از سوی آمریکا و اتحادیه اروپا اعمال می‌شوند، محدودیت‌های شدیدی بر نقل و انتقال پول، بیمه پروژه‌ها، سرمایه‌گذاری خارجی و ارتباطات بانکی ایران ایجاد کرده‌اند، به گونه‌ای که شرکت‌های ایرانی قادر نیستند به راحتی سرمایه‌گذاری بلندمدت یا پروژه‌های زیرساختی در عراق را مدیریت کنند (دلفروز، ۱۳۹۳: ۱۲). این محدودیت‌ها علاوه بر کاهش توان اقتصادی، باعث افزایش ریسک فعالیت‌های اقتصادی ایران در بازار عراق شده و بسیاری از شرکت‌ها را از ورود به پروژه‌های مهم بازداشته است. تحریم‌ها همچنین اثر روانی گسترده‌ای بر اعتماد سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی گذاشته‌اند، به طوری که حتی شرکت‌های کوچک و متوسط نیز تمایلی به ورود به بازار عراق بدون حمایت دولت از خود نشان نمی‌دهند. پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهد که عدم دسترسی به سیستم‌های مالی بین‌المللی و بیمه‌ای، یکی از اصلی‌ترین عوامل ناکامی ایران در بهره‌برداری از ظرفیت‌های اقتصادی عراق بوده است (زارعی، ۱۳۹۷: ۵۸). این شرایط نشان می‌دهد که تحریم‌ها تنها محدودیت خارجی نیستند، بلکه به صورت غیرمستقیم بر سیاست‌گذاری داخلی و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی نیز اثر گذاشته‌اند و بدون رفع این موانع، موفقیت اقتصادی ایران در عراق با چالش جدی مواجه خواهد بود.

محدودیت‌های بانکی و مشکلات انتقال پول از دیگر چالش‌های ساختاری ایران در عرصه اقتصادی عراق است. بانک‌های ایرانی به دلیل تحریم‌ها و محدودیت‌های بین‌المللی، قادر به انجام تراکنش‌های مالی بین‌المللی نیستند و این امر به ویژه در زمینه پرداخت به پیمانکاران، تأمین کالاهای وارداتی و مدیریت پروژه‌های مشترک اقتصادی مشکل‌ساز شده است (زارعی، ۱۴۰۰: ۲۳). علاوه بر محدودیت‌های بانکی، نبود سازوکارهای جایگزین قابل اعتماد برای نقل و انتقال پول باعث کاهش جذابیت بازار عراق برای سرمایه‌گذاران ایرانی شده و رقبا، به ویژه کشورهای منطقه‌ای، از این خلأ بهره برده‌اند. بسیاری از تحلیلگران بر این باورند که اگرچه ظرفیت‌های اقتصادی ایران برای ورود به بازار عراق مناسب است، اما مشکلات ساختاری در حوزه مالی، بخش مهمی از منابع بالقوه را بلااستفاده گذاشته و مانع از تحقق اهداف بلندمدت اقتصادی شده است (زرین‌کوب، ۱۳۸۷: ۴۵). نبود استراتژی منسجم اقتصادی در قبال عراق، یکی دیگر از عوامل ناکامی ایران در این کشور محسوب می‌شود. با وجود نفوذ سیاسی گسترده و حضور فعال ایران در ساختارهای دولتی و احزاب عراقی، برنامه‌های اقتصادی هماهنگ و بلندمدت برای توسعه صادرات، سرمایه‌گذاری و پروژه‌های زیرساختی تدوین نشده است (سریع‌القلم، ۱۳۹۲: ۷۹). این فقدان استراتژی موجب شده است که تلاش‌های اقتصادی ایران پراکنده و کوتاه‌مدت باشد و بیشتر به امور مقطعی مانند صادرات کالاهای مصرفی یا تأمین انرژی محدود شود، در حالی که ظرفیت‌های بزرگ‌تر برای پروژه‌های بلندمدت و سودآور از دست می‌رود. تحلیلگران معتقدند که همگرایی سیاست خارجی و سیاست اقتصادی یکی از پیش‌نیازهای موفقیت در اقتصاد بین‌الملل است، و در شرایط فعلی، نبود هماهنگی میان دستگاه‌های اقتصادی و سیاسی ایران مانع از استفاده کامل از فرصت‌های موجود در عراق شده است (شعبانی، ۱۳۹۴: ۳۲).

غلبه نگاه امنیتی-سیاسی بر نگاه اقتصادی، یکی دیگر از محدودیت‌های اساسی ایران در عراق است. بسیاری از تصمیمات در روابط ایران و عراق، با تمرکز بر منافع سیاسی، نفوذ مذهبی و امنیتی اتخاذ می‌شوند و کمتر به تحلیل اقتصادی، بازار و بازدهی سرمایه توجه می‌شود. این رویکرد باعث شده است که بسیاری از پروژه‌های اقتصادی که می‌توانستند سودآور باشند، به دلیل ملاحظات سیاسی به تأخیر بیفتند یا به طور کامل کنار گذاشته شوند. اقتصاد سیاسی بین‌الملل تأکید دارد که موفقیت اقتصادی در کشورهای دیگر تنها با توجه همزمان به قدرت سیاسی و استراتژی اقتصادی

امکان پذیر است، و فقدان چنین هماهنگی، ایران را در عراق با ناکامی مواجه کرده است (عباسی سمنانی، ۱۳۹۲: ۴۰).

ضعف بخش خصوصی ایران نیز مانع مهم دیگری برای حضور اقتصادی پایدار در عراق است. بخش خصوصی ایران، به ویژه شرکت‌های کوچک و متوسط، به دلیل نبود حمایت کافی دولت، محدودیت‌های قانونی و دسترسی محدود به منابع مالی، قادر به رقابت با شرکت‌های رقیب از کشورهای دیگر نیستند (عظیمی، ۱۳۹۶: ۸۸). بسیاری از پروژه‌های عراق به شرکت‌های بزرگ و دولتی محدود شده‌اند و این امر باعث کاهش انعطاف‌پذیری، نوآوری و کارآمدی اقتصادی ایران شده است. به علاوه، ضعف بخش خصوصی سبب شده است که صادرات ایران عمدتاً کالاهای کم‌ارزش و مصرفی باشد و حضور در پروژه‌های راهبردی، صنعتی و زیرساختی محدود شود، در حالی که رقبا با استفاده از شرکت‌های خصوصی توانمند توانسته‌اند سهم بازار قابل توجهی در عراق به دست آورند. دولتی بودن اقتصاد ایران و عدم رقابت‌پذیری، چالش دیگری است که حضور اقتصادی ایران در عراق را محدود کرده است. بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی ایران، به ویژه در حوزه صادرات و پروژه‌های مهندسی، تحت کنترل دولت یا شرکت‌های دولتی قرار دارد و این امر باعث کاهش انگیزه رقابت، کاهش بهره‌وری و ناکارآمدی در پروژه‌های اقتصادی شده است. در مقابل، کشورهایی مانند ترکیه و چین با استفاده از بخش خصوصی رقابت‌پذیر و سرمایه‌گذاری بلندمدت، سهم قابل توجهی از بازار عراق را در اختیار گرفته‌اند. اقتصاد سیاسی بین‌الملل نشان می‌دهد که در محیط‌های رقابتی، عدم حضور بخش خصوصی کارآمد و رقابت‌پذیر، مانع اصلی بهره‌برداری از ظرفیت‌های اقتصادی منطقه‌ای است.

مشکلات کیفیت، بسته‌بندی و استاندارد کالاهای ایرانی نیز عامل دیگری است که مانع موفقیت اقتصادی ایران در عراق شده است. بسیاری از کالاهای صادراتی ایران به عراق از نظر کیفیت، استانداردهای بین‌المللی و بسته‌بندی قابل رقابت نیستند و این امر باعث کاهش اعتماد تجار و مصرف‌کنندگان عراقی شده است (زرین‌کوب، ۱۳۸۷: ۴۵). این مشکل، در کنار محدودیت‌های مالی و قانونی، باعث شده است که ایران در رقابت با سایر کشورها در بازار عراق جایگاه مطلوبی نداشته باشد. همچنین عدم توجه به برندینگ و بازاریابی بین‌المللی از جمله عواملی است که توانایی ایران در تثبیت حضور اقتصادی خود را کاهش داده است (سریع‌القلم، ۱۳۹۲: ۷۹). ناپایداری سیاست‌های

اقتصادی داخلی نیز یکی از چالش‌های ساختاری ایران است. تغییرات مکرر در قوانین صادرات، مقررات سرمایه‌گذاری، سیاست‌های ارزی و حمایت از بخش خصوصی باعث شده است که برنامه‌ریزی بلندمدت و پایدار در عراق دشوار باشد (شعبانی، ۱۳۹۴: ۳۲). این ناپایداری باعث کاهش اطمینان سرمایه‌گذاران، افزایش ریسک فعالیت‌های اقتصادی و محدود شدن پروژه‌های بلندمدت شده است. تجربه کشورهای موفق منطقه‌ای نشان می‌دهد که ثبات سیاست‌های اقتصادی یکی از پیش‌شرط‌های موفقیت در بازارهای خارجی است و ایران در این زمینه نیازمند اصلاحات ساختاری است. به طور کلی، چالش‌های ساختاری و داخلی ایران شامل مجموعه‌ای از محدودیت‌های اقتصادی، قانونی و مدیریتی است که تعاملات اقتصادی با عراق را پیچیده و ناکام کرده است. تحریم‌ها، محدودیت بانکی، نبود استراتژی اقتصادی منسجم، نگاه امنیتی-سیاسی، ضعف بخش خصوصی، دولتی بودن اقتصاد، مشکلات کیفیت کالا و ناپایداری سیاست‌های اقتصادی، همگی دست به دست هم داده‌اند تا ظرفیت‌های بالقوه اقتصادی ایران در عراق به شکل مؤثر مورد بهره‌برداری قرار نگیرد. این چالش‌ها نشان می‌دهند که برای بهره‌برداری موفق، ایران نیازمند بازنگری اساسی در سیاست‌های اقتصادی و ایجاد هماهنگی میان قدرت سیاسی و اقتصادی است.

#### - چالش‌های ساختاری عراق

یکی از مهم‌ترین موانع توسعه اقتصادی ایران در عراق، فساد گسترده اداری و اقتصادی در ساختار دولتی این کشور است. فساد در عراق نه تنها محدود به یک نهاد یا بخش خاص نیست، بلکه به طور سیستماتیک در تمام سطوح دولت، ادارات محلی و نهادهای اقتصادی نفوذ کرده است. این وضعیت باعث شده است که پروژه‌های اقتصادی خارجی با مشکلات جدی در زمینه مجوزها، تأمین منابع و مدیریت قراردادها مواجه شوند. شرکت‌های ایرانی که تلاش می‌کنند وارد بازار عراق شوند، اغلب با فرآیندهای طولانی و غیرشفاف دولتی روبرو می‌شوند که هزینه‌های اقتصادی و زمانی پروژه‌ها را به شدت افزایش می‌دهد. فساد همچنین اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی و داخلی را کاهش می‌دهد و باعث می‌شود که بخش خصوصی ایران از سرمایه‌گذاری در پروژه‌های بزرگ در عراق خودداری کند. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که فساد گسترده یکی از عوامل اصلی ناکامی کشورهای همسایه در بهره‌برداری از فرصت‌های اقتصادی عراق است، زیرا رقبا با استفاده از شبکه‌های محلی و روابط سیاسی موفق به تسهیل فعالیت‌های اقتصادی خود می‌شوند (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۱۲۴). چالش مهم

دیگر، چندپارگی قدرت و نفوذ بازیگران مختلف در عراق است. پس از سقوط رژیم صدام حسین، ساختار سیاسی عراق به گونه‌ای شکل گرفت که قدرت میان احزاب مختلف شیعی، سنی و کرد تقسیم شده است. این وضعیت باعث شده است که تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و پروژه‌های توسعه‌ای به جای تمرکز، درگیر رقابت و اختلافات جناحی شوند. ایران با وجود نفوذ سیاسی در میان گروه‌های شیعی، نمی‌تواند به شکل کامل و یکنواخت از ظرفیت‌های اقتصادی عراق بهره‌برداری کند، زیرا هرگونه اقدام اقتصادی باید با موازنه میان بازیگران محلی و احزاب مختلف هماهنگ شود. این پیچیدگی سیاسی، زمان اجرای پروژه‌ها را طولانی و هزینه‌ها را افزایش می‌دهد و بسیاری از فرصت‌های اقتصادی ایران را محدود کرده است (کریمی‌پور، ۱۳۹۴: ۲۵).

در کنار چندپارگی داخلی، نفوذ بازیگران خارجی مانند آمریکا، ترکیه و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، تأثیر بسزایی بر اقتصاد عراق دارد. آمریکا با حضور نظامی و کنترل بخش‌هایی از سیاست و امنیت عراق، اعمال محدودیت‌ها و سیاست‌های خود را در زمینه سرمایه‌گذاری خارجی دنبال می‌کند. ترکیه و کشورهای عربی نیز با دیپلماسی اقتصادی فعال و شبکه‌های تجاری گسترده، توانسته‌اند سهم قابل توجهی از بازار عراق را در اختیار بگیرند (کریمی‌پور، ۱۳۸۴: ۷۰). این رقابت منطقه‌ای و بین‌المللی باعث شده است که ایران، علی‌رغم روابط نزدیک سیاسی با بخش‌هایی از عراق، نتواند حضور اقتصادی خود را به شکل گسترده تثبیت کند. تحلیلگران اقتصاد سیاسی بین‌الملل بر این باورند که رقابت خارجی و فشارهای بین‌المللی، یکی از عوامل مهم ناکامی ایران در بهره‌برداری اقتصادی از عراق است. ساختار رانتی و نفت‌محور اقتصاد عراق، چالش مهم دیگری برای توسعه اقتصادی ایران محسوب می‌شود. اقتصاد عراق به شدت وابسته به درآمدهای نفتی است و سایر بخش‌های اقتصادی، از جمله صنعت، کشاورزی و خدمات، سهم اندکی در تولید ناخالص داخلی دارند. این وابستگی باعث شده است که تصمیم‌گیری‌ها اقتصادی بیشتر حول مدیریت منابع نفتی و توزیع درآمدها باشد و فرصت‌های مشارکت بخش خصوصی خارجی محدود شود. ایران، با وجود توانایی در تأمین کالا و خدمات غیرنفتی، نتوانسته است سهم قابل توجهی در بازار عراق به دست آورد، زیرا ساختار رانتی و نفت‌محور اقتصاد عراق، بازارهای غیرنفتی را کم‌جاذبه کرده است.

ضعف زیرساخت‌های حقوقی و سرمایه‌گذاری در عراق نیز یکی دیگر از عوامل مهم ناکامی ایران است. نبود قوانین شفاف سرمایه‌گذاری، ناپایداری مقررات و فقدان نهادهای حمایت‌کننده از سرمایه‌گذاران خارجی، باعث شده است که فعالیت‌های اقتصادی ایران در عراق با ریسک بالا و ناطمینانی مواجه شود. حتی قراردادهای بلندمدت نیز به دلیل عدم ضمانت اجرایی کافی، قابلیت اجرا ندارند و شرکت‌های ایرانی مجبور به مواجهه با مشکلات حقوقی متعدد می‌شوند. اقتصاد سیاسی بین‌الملل نشان می‌دهد که موفقیت اقتصادی در محیط‌های خارجی نیازمند وجود زیرساخت‌های حقوقی و نهادهای نظارتی کارآمد است و فقدان این زیرساخت‌ها یکی از دلایل اصلی ناکامی ایران در عراق است (نوشادی و همکاران، ۱۳۸۵: ۹۹). بی‌اعتمادی بخشی از جامعه عراق به کالا و سرمایه ایرانی نیز چالش قابل توجهی است. بسیاری از مصرف‌کنندگان و سرمایه‌گذاران عراقی، به دلیل نگرانی از کیفیت کالاها، استانداردها و تجربه‌های گذشته، تمایل چندانی به تعامل اقتصادی با ایران ندارند (فراستخواه، ۱۳۹۴: ۱۷). این بی‌اعتمادی باعث کاهش تقاضا برای کالاهای ایرانی و محدود شدن فرصت‌های سرمایه‌گذاری شده است. علاوه بر این، برخی پروژه‌های ایرانی که با هدف بازسازی یا توسعه زیرساخت‌ها انجام شده‌اند، به دلیل مدیریت ضعیف یا تأخیرهای متعدد، موجب نارضایتی محلی و کاهش اعتماد عمومی شده‌اند.

### فرصت‌های اقتصادی ایران در عراق

یکی از مهم‌ترین فرصت‌های اقتصادی ایران در عراق، وجود اشتراکات فرهنگی، مذهبی و تاریخی میان دو کشور است. این اشتراکات، زمینه مناسبی برای توسعه روابط اقتصادی و تجاری فراهم می‌کند، زیرا اعتماد اجتماعی و پذیرش کالاها و خدمات ایرانی در عراق را افزایش می‌دهد. ایران و عراق از گذشته‌های دور دارای پیوندهای مذهبی و فرهنگی بوده‌اند؛ پیوندهایی که از طریق زیارت عتبات عالیات، مراسم مذهبی مشترک و روابط سنتی میان قبایل و خانواده‌های شیعی شکل گرفته است. این سرمایه اجتماعی و فرهنگی می‌تواند به عنوان یک ابزار اقتصادی مورد استفاده قرار گیرد، به گونه‌ای که کالاهای ایرانی با هویت فرهنگی و مذهبی مرتبط به بازار عراق معرفی شوند و فرصت‌های سرمایه‌گذاری و بازاریابی را افزایش دهند. وجود مرز زمینی طولانی میان ایران و عراق، فرصت ویژه‌ای برای توسعه تجارت و حمل و نقل کالا ایجاد کرده است. مرزهای طولانی

امکان جابجایی کالا با هزینه کمتر و سرعت بیشتر را فراهم می‌کنند، که این موضوع به ویژه در صادرات کالاهای مصرفی و مواد اولیه اهمیت دارد (کاتوزیان، ۱۳۹۶: ۱۳۷). علاوه بر این، مرز زمینی امکان توسعه شبکه‌های توزیع و لجستیک گسترده را فراهم می‌کند و باعث کاهش هزینه‌های تجاری نسبت به کشورهای رقیب می‌شود. ایران می‌تواند با ایجاد زیرساخت‌های حمل و نقل و توسعه گمرکات مرزی، از این ظرفیت برای تثبیت حضور اقتصادی خود در بازار عراق استفاده کند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که در کشورهای دارای مرز زمینی طولانی، تجارت مرزی به عنوان یکی از مؤثرترین ابزارهای توسعه اقتصادی منطقه‌ای عمل می‌کند.

عراق به دلیل بازسازی زیرساخت‌ها و توسعه صنعتی، با نیاز شدید به انرژی مواجه است. ایران به عنوان کشوری با ظرفیت تولید برق و گاز قابل توجه، می‌تواند به تأمین بخشی از نیازهای انرژی عراق کمک کند. این فرصت نه تنها به صادرات انرژی محدود نمی‌شود، بلکه می‌تواند زمینه‌ساز سرمایه‌گذاری‌های مشترک در حوزه تولید، انتقال و مدیریت انرژی شود. وجود قراردادهای بلندمدت و همکاری‌های فنی در این حوزه، علاوه بر منافع اقتصادی، موجب تثبیت جایگاه ایران به عنوان شریک استراتژیک عراق در حوزه انرژی خواهد شد. یکی دیگر از فرصت‌های مهم، ارائه خدمات فنی-مهندسی به عراق است. پس از دوران جنگ و بی‌ثباتی، نیاز عراق به متخصصان، مهندسان و شرکت‌های مهندسی برای بازسازی و توسعه پروژه‌های صنعتی و ساختمانی بسیار بالا است. ایران با داشتن ظرفیت‌های علمی و فنی مناسب، می‌تواند در حوزه‌های ساخت و ساز، صنایع برق و گاز، و پروژه‌های زیرساختی مشارکت کند. بهره‌گیری از این ظرفیت نه تنها درآمد ارزی برای ایران ایجاد می‌کند، بلکه باعث تقویت روابط بلندمدت با بخش‌های مختلف اقتصادی عراق خواهد شد.

نیاز عراق به بازسازی زیرساخت‌ها یک فرصت استراتژیک دیگر برای ایران محسوب می‌شود. پروژه‌های بازسازی شامل راه‌سازی، پل‌سازی، شبکه‌های آب و برق، بیمارستان‌ها و مدارس است و نیازمند سرمایه‌گذاری و مشارکت شرکت‌های خارجی است. ایران می‌تواند با استفاده از تجربیات بازسازی داخلی و مهندسی متخصصان خود، پروژه‌های بلندمدت در عراق اجرا کند و سهم قابل توجهی از بازار بازسازی را به دست آورد. این حضور مستمر اقتصادی، علاوه بر منافع مالی، به تثبیت نفوذ سیاسی و اجتماعی ایران نیز کمک می‌کند.

وجود بازار مصرفی بزرگ عراق، از دیگر فرصت‌های اقتصادی مهم برای ایران است. جمعیت بیش از ۴۰ میلیون نفری عراق، نیازهای متنوعی از جمله مواد غذایی، کالاهای مصرفی، پوشاک، مصالح ساختمانی و تجهیزات صنعتی دارد. ایران می‌تواند با توسعه صادرات کالاهای مصرفی و صنعتی خود، سهم قابل توجهی از این بازار را به دست آورد. مطالعات نشان می‌دهند که حضور در بازارهای مصرفی بزرگ، با ایجاد شبکه‌های توزیع، تبلیغات فرهنگی و رعایت استانداردهای کیفیت، موجب تثبیت جایگاه اقتصادی کشور صادرکننده می‌شود (میور، ۱۳۷۹: ۴۶).

#### - نقش ایران در تأمین برق و گاز عراق

ایران نقش قابل توجهی در تأمین برق و گاز عراق دارد و این یک فرصت اقتصادی و استراتژیک محسوب می‌شود. صادرات برق و گاز به عراق موجب درآمدزایی مستقیم و ایجاد روابط بلندمدت اقتصادی شده است (نوشادی و همکاران، ۱۳۸۵: ۹۹). علاوه بر این، همکاری‌های فنی و انتقال دانش در حوزه انرژی، زمینه را برای مشارکت‌های صنعتی و مهندسی فراهم می‌آورد. این ظرفیت به ایران امکان می‌دهد تا در زمینه انرژی، علاوه بر صادرات، در پروژه‌های ساخت نیروگاه و زیرساخت‌های گازی مشارکت فعال داشته باشد و جایگاه خود را به عنوان شریک کلیدی عراق تثبیت کند.

#### - ظرفیت دیپلماسی زیارتی و گردشگری مذهبی

یکی دیگر از فرصت‌های ویژه ایران در عراق، ظرفیت دیپلماسی زیارتی و گردشگری مذهبی است. میلیون‌ها زائر ایرانی سالانه به عتبات عالیات سفر می‌کنند و این جریان، علاوه بر منافع فرهنگی، فرصتی برای توسعه اقتصادی و ایجاد شبکه‌های خدماتی و تجاری فراهم می‌کند (فراستخواه، ۱۳۹۴: ۱۷). ایران می‌تواند با ایجاد خدمات حمل و نقل، اقامت، رستوران و خرید، به کسب درآمد مستقیم و غیرمستقیم بپردازد و همچنین با توسعه زیرساخت‌های گردشگری مذهبی، جایگاه خود را در اقتصاد عراق تثبیت کند. این ظرفیت به ویژه برای شرکت‌های کوچک و متوسط ایرانی که در زمینه خدمات و تجارت فعال هستند، فرصتی بی‌نظیر محسوب می‌شود.

#### - ترکیب اشتراکات فرهنگی و دیپلماسی اقتصادی

ترکیب اشتراکات فرهنگی، مذهبی و دیپلماسی اقتصادی، زمینه‌ای برای تثبیت حضور اقتصادی ایران در عراق ایجاد می‌کند. ایران می‌تواند از هویت مذهبی و فرهنگی خود برای تقویت برندهای

صادراتی استفاده کند و کالاها و خدمات را با ارزش‌های فرهنگی و مذهبی همسو سازد. این استراتژی، علاوه بر جذب مشتریان و سرمایه‌گذاران محلی، موجب ایجاد شبکه‌های وفاداری اقتصادی و اجتماعی می‌شود و رقبا را در عرصه بازاریابی فرهنگی و اقتصادی عقب می‌راند. سرمایه‌گذاری مشترک در انرژی و زیرساخت‌ها، امکان توسعه پایدار روابط اقتصادی ایران با عراق را فراهم می‌کند. ایران می‌تواند پروژه‌های نیروگاهی، شبکه‌های انتقال برق و گاز و پروژه‌های صنعتی مشترک را اجرا کند و علاوه بر سود اقتصادی، امنیت انرژی عراق را تضمین نماید. این نوع سرمایه‌گذاری، موجب تثبیت حضور ایران در بازارهای کلیدی عراق و ایجاد روابط بلندمدت با نهادهای دولتی و خصوصی خواهد شد. با توجه به بازار مصرفی بزرگ عراق و مرز زمینی طولانی، ایران می‌تواند شبکه‌های لجستیک و توزیع کارآمد ایجاد کند. توسعه حمل و نقل زمینی، گمرکات، انبارها و مراکز توزیع، هزینه‌ها را کاهش می‌دهد و کالاهای ایرانی را به سرعت و با کیفیت مطلوب به بازار عراق می‌رساند (کریمی‌پور، ۱۳۹۴: ۲۵). این استراتژی نه تنها باعث افزایش سهم ایران از بازار عراق می‌شود، بلکه رقابت‌پذیری کالاهای ایرانی را نسبت به رقبای منطقه‌ای افزایش می‌دهد.

### تغییر رویکرد از سیاست محوری به اقتصادمحوری

یکی از اصلی‌ترین راهکارها برای بهبود حضور اقتصادی ایران در عراق، تغییر رویکرد از سیاست محوری به اقتصادمحوری است. تجربیات گذشته نشان داده است که غلبه نگاه امنیتی و سیاسی بر روابط اقتصادی، مانع بهره‌برداری ایران از فرصت‌های اقتصادی عراق شده است (دلفروز، ۱۳۹۳: ۱۲). سیاست محوری، عمدتاً شامل مداخلات سیاسی، حمایت از گروه‌ها و احزاب خاص و تلاش برای تثبیت نفوذ امنیتی در عراق بوده است، اما این رویکرد نتوانسته منجر به ایجاد روابط اقتصادی پایدار و بلندمدت شود. اقتصاد سیاسی بین‌الملل تأکید دارد که موفقیت اقتصادی در روابط خارجی نیازمند تمرکز بر منافع اقتصادی و ظرفیت‌های بازار است و سیاست تنها باید در خدمت توسعه اقتصادی قرار گیرد (زارعی، ۱۳۹۷: ۵۸). در این راستا، لازم است که سیاست خارجی اقتصادی ایران در عراق بازنگری شود و از ابزارهای سیاسی برای تقویت اقتصاد استفاده شود. این شامل تدوین استراتژی‌های اقتصادی بلندمدت، هماهنگی میان نهادهای اقتصادی و سیاسی، و ایجاد

سازوکارهای تصمیم‌گیری مؤثر برای پروژه‌های مشترک است. تغییر نگاه به اقتصادمحوری به ایران امکان می‌دهد که پروژه‌ها را بر اساس مزیت‌های نسبی، ظرفیت‌های داخلی و نیازهای بازار عراق برنامه‌ریزی کند و از فعالیت‌های کوتاه‌مدت و غیراثربخش پرهیز نماید.

یکی از اقدامات کلیدی برای تحقق اقتصادمحوری، تقویت دیپلماسی اقتصادی فعال است. دیپلماسی اقتصادی به معنای بهره‌گیری از ابزارهای دیپلماتیک برای توسعه تجارت، سرمایه‌گذاری و همکاری‌های صنعتی است (زرین‌کوب، ۱۳۸۷: ۴۵). در شرایط عراق، ایران می‌تواند با استفاده از سفارت‌ها، کنسولگری‌ها، اتاق‌های بازرگانی و انجمن‌های اقتصادی، شبکه‌های گسترده‌ای برای تسهیل فعالیت‌های اقتصادی ایجاد کند. این نوع دیپلماسی نه تنها باعث تسهیل تجارت و سرمایه‌گذاری می‌شود، بلکه موجب افزایش اعتماد طرف عراقی به توانمندی‌ها و تعهد ایران نیز خواهد شد. برای موفقیت اقتصادمحوری، لازم است حمایت واقعی از بخش خصوصی ایران انجام شود. بخش خصوصی، به دلیل انعطاف‌پذیری، نوآوری و توانایی رقابت در بازارهای خارجی، می‌تواند نقش مهمی در توسعه اقتصادی ایران در عراق ایفا کند. حمایت واقعی شامل تأمین منابع مالی، کاهش موانع قانونی، ارائه بیمه و ضمانت برای پروژه‌ها و ایجاد شبکه‌های ارتباطی با طرف‌های عراقی است. دولت ایران با فراهم آوردن این حمایت‌ها می‌تواند بخش خصوصی را ترغیب به حضور فعال در بازار عراق نماید و وابستگی به شرکت‌های دولتی را کاهش دهد.

یکی از چالش‌های مهم در روابط اقتصادی ایران و عراق، وابستگی به دلار و محدودیت‌های بانکی بین‌المللی است. ایجاد سازوکارهای مالی جایگزین دلار، شامل استفاده از ارزهای ملی، سیستم‌های پرداخت منطقه‌ای و شبکه‌های بانکی مستقل، می‌تواند مشکلات نقل و انتقال پول و سرمایه‌گذاری را کاهش دهد. این اقدام به شرکت‌های ایرانی امکان می‌دهد بدون محدودیت‌های تحریمی فعالیت کنند و پروژه‌های بلندمدت را با امنیت مالی بیشتری اجرا نمایند. یکی دیگر از محورهای تغییر رویکرد، افزایش کیفیت و استاندارد کالاهای صادراتی ایران است. تجربه نشان داده است که بخش قابل توجهی از ناکامی ایران در عراق به دلیل مشکلات کیفیت، بسته‌بندی و استاندارد کالاها بوده است (شعبانی، ۱۳۹۴: ۳۲). ارتقای کیفیت کالاها، رعایت استانداردهای بین‌المللی و بهبود بسته‌بندی، اعتماد طرف عراقی را افزایش می‌دهد و جایگاه ایران در بازار عراق

تثبیت می‌شود. این اقدام همچنین موجب رقابت‌پذیری بیشتر ایران نسبت به سایر رقبای منطقه‌ای و بین‌المللی خواهد شد.

### تحلیل چالش‌ها و فرصت‌های اقتصادی ایران در عراق: از سیاست‌محوری به اقتصادمحوری

روابط اقتصادی ایران و عراق در دهه‌های اخیر یکی از پیچیده‌ترین و در عین حال مهم‌ترین روابط دوجانبه در منطقه خاورمیانه محسوب می‌شود. این روابط تحت تأثیر عوامل متنوعی قرار گرفته است؛ از اشتراکات مذهبی، فرهنگی و تاریخی گرفته تا ملاحظات ژئوپلیتیک و امنیتی که بر تصمیم‌گیری‌های اقتصادی ایران سایه افکنده‌اند. با وجود ظرفیت‌های بالقوه بازار عراق، ایران تاکنون نتوانسته بهره‌برداری مؤثری از فرصت‌های اقتصادی این کشور داشته باشد. چالش‌های داخلی و خارجی، محدودیت‌های بانکی و ارزی، مشکلات سیاست‌گذاری و ضعف بخش خصوصی، همگی مانع ایجاد یک رابطه اقتصادی پایدار و بلندمدت شده‌اند. علاوه بر این، ساختار پیچیده سیاسی عراق که شامل چندپارگی قدرت، نفوذ بازیگران خارجی و ضعف نهادهای حقوقی است، شرایط را برای سرمایه‌گذاری و توسعه اقتصادی ایران دشوار کرده است. تحلیل این روابط از منظر اقتصاد سیاسی بین‌الملل امکان درک بهتر چالش‌ها و فرصت‌ها و ارائه راهکارهای عملی برای تغییر رویکرد را فراهم می‌آورد. یکی از مهم‌ترین موانع توسعه اقتصادی ایران در عراق، چالش‌های ساختاری داخلی ایران است. اقتصاد ایران به شدت دولتی و غیررقابتی است و بخش خصوصی توانمندی لازم برای حضور مؤثر در بازارهای خارجی را ندارد. تحریم‌های بین‌المللی و محدودیت‌های بانکی، نقل و انتقال پول و بیمه، بسیاری از پروژه‌های صادراتی و سرمایه‌گذاری را با ریسک‌های جدی مواجه کرده است. علاوه بر این، نبود استراتژی اقتصادی منسجم در قبال عراق باعث شده است که فعالیت‌های اقتصادی ایران بیشتر به اقدامات کوتاه‌مدت و واکنشی محدود شوند و برنامه‌ریزی بلندمدت و مؤثر در حوزه تجارت و سرمایه‌گذاری توسعه نیابد. همچنین غلبه نگاه امنیتی و سیاسی بر نگاه اقتصادی، موجب شده است که اولویت اصلی در روابط با عراق حفظ نفوذ سیاسی و امنیتی باشد و توسعه اقتصادی در حاشیه قرار گیرد. این ترکیب از عوامل داخلی، فرصت‌های بالقوه اقتصادی ایران را کاهش داده و مانع تثبیت حضور پایدار در بازار عراق شده است.

از سوی دیگر، چالش‌های ساختاری عراق نیز مانع توسعه روابط اقتصادی با ایران شده‌اند. فساد گسترده اداری و اقتصادی، عدم شفافیت در قراردادهای و نهادهای دولتی، موجب شده است که فعالیت‌های اقتصادی خارجی با ریسک بالا و هزینه‌های اضافی همراه باشد. ساختار سیاسی عراق نیز به شدت چندپارچه است؛ قدرت میان احزاب مختلف شیعی، سنی و کرد تقسیم شده و نفوذ بازیگران خارجی مانند آمریکا، ترکیه و کشورهای حوزه خلیج فارس بر تصمیمات اقتصادی، محدودیت‌های جدی ایجاد کرده است. اقتصاد نفت‌محور و رانتی عراق، وابستگی به درآمدهای نفتی و محدودیت بخش‌های غیرنفتی برای جذب سرمایه خارجی، شرایط رقابت برای کالاها و خدمات ایرانی را دشوار کرده است. همچنین ضعف زیرساخت‌های حقوقی و سرمایه‌گذاری، همراه با بی‌اعتمادی بخشی از جامعه عراق به کالا و سرمایه ایرانی، ریسک فعالیت‌های اقتصادی را افزایش داده است.

با وجود این چالش‌ها، فرصت‌های اقتصادی ایران در عراق نیز قابل توجه هستند و می‌توانند زمینه‌ساز توسعه روابط پایدار باشند. اشتراکات فرهنگی، مذهبی و تاریخی میان دو کشور، یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های اجتماعی ایران محسوب می‌شود که می‌تواند به پذیرش کالاها و خدمات ایرانی در بازار عراق کمک کند. همچنین وجود مرز زمینی طولانی، امکان کاهش هزینه‌های لجستیکی و افزایش سرعت تجارت را فراهم می‌آورد. نیاز شدید عراق به انرژی، خدمات فنی-مهندسی، بازسازی زیرساخت‌ها و بازار مصرفی گسترده، ظرفیت‌های اقتصادی فراوانی برای ایران ایجاد کرده است. نقش ایران در تأمین برق و گاز عراق و امکان توسعه دیپلماسی زیارتی و گردشگری مذهبی نیز فرصت‌های ویژه‌ای برای کسب درآمد و تثبیت نفوذ اقتصادی ایجاد می‌کند. برای بهره‌برداری مؤثر از این فرصت‌ها، تغییر رویکرد از سیاست‌محوری به اقتصادمحوری ضروری است. این تغییر رویکرد به معنای اولویت دادن به منافع اقتصادی و ظرفیت‌های بازار، همراه با مدیریت هوشمندانه روابط سیاسی و منطقه‌ای است. تقویت دیپلماسی اقتصادی فعال، حمایت واقعی از بخش خصوصی، ایجاد سازوکارهای مالی جایگزین دلار و افزایش کیفیت و استاندارد کالاها، صادراتی، از جمله اقدامات کلیدی برای تحقق اقتصادمحوری محسوب می‌شوند. این اقدامات موجب می‌شوند که ایران بتواند با حداقل ریسک و حداکثر بهره‌وری، پروژه‌ها و فرصت‌های اقتصادی را در عراق دنبال کند و از رقابت منطقه‌ای و بین‌المللی عقب نماند. یکی از

محورهای اساسی اقتصادمحوری، حمایت واقعی از بخش خصوصی و سرمایه‌گذاری مشترک با نخبگان عراقی است. بخش خصوصی به دلیل انعطاف‌پذیری، نوآوری و توانایی رقابت، می‌تواند نقش مؤثری در بازسازی و توسعه زیرساخت‌ها و ارائه خدمات فنی-مهندسی ایفا کند. همکاری با سرمایه‌گذاران و نخبگان عراقی، علاوه بر ایجاد شبکه‌های محلی اقتصادی، موجب افزایش اعتماد طرف عراقی به توانمندی‌ها و تعهد ایران می‌شود. این تعاملات، زمینه را برای پروژه‌های بلندمدت و سودآور فراهم می‌کنند و به تثبیت جایگاه اقتصادی ایران در عراق کمک می‌کنند.

تفکیک حوزه‌های سیاسی و اقتصادی در تعامل با عراق نیز یکی از الزامات اقتصادمحوری است. تجربه نشان داده است که غلبه ملاحظات سیاسی بر فعالیت‌های اقتصادی، مانع بهره‌برداری از فرصت‌های واقعی بازار شده است. با تفکیک این حوزه‌ها، ایران می‌تواند پروژه‌های اقتصادی را به صورت مستقل، بدون مداخله سیاست‌گذاری کوتاه‌مدت، اجرا کند. این رویکرد علاوه بر کاهش ریسک سیاسی، موجب افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی و بهبود پیش‌بینی‌پذیری روابط اقتصادی می‌شود.

### نتیجه‌گیری

تحلیل روابط اقتصادی ایران و عراق نشان می‌دهد که ناکامی‌های اقتصادی ایران در این کشور ناشی از مجموعه‌ای پیچیده از عوامل داخلی و خارجی بوده است. از یک سو، چالش‌های ساختاری داخلی ایران شامل تحریم‌های بین‌المللی، محدودیت‌های بانکی و ارزی، ضعف بخش خصوصی، دولتی بودن اقتصاد، نبود استراتژی اقتصادی منسجم و غلبه نگاه امنیتی و سیاسی بر نگاه اقتصادی، مانع بهره‌برداری کامل از فرصت‌های بازار عراق شده است. از سوی دیگر، چالش‌های ساختاری عراق مانند فساد گسترده اداری و اقتصادی، چندپارگی قدرت سیاسی، نفوذ بازیگران خارجی، اقتصاد نفت‌محور و رانتی، ضعف زیرساخت‌های حقوقی و بی‌اعتمادی بخشی از جامعه عراق به کالا و سرمایه ایرانی، ریسک فعالیت‌های اقتصادی ایران را افزایش داده و ظرفیت‌های بالقوه اقتصادی را محدود کرده است. با وجود این محدودیت‌ها، فرصت‌های اقتصادی قابل توجهی نیز وجود دارد که ایران می‌تواند از آن بهره‌برداری کند. اشتراکات فرهنگی، مذهبی و تاریخی، مرز زمینی طولانی، نیاز شدید عراق به انرژی و خدمات فنی-مهندسی، بازسازی زیرساخت‌ها، بازار

مصرفی گسترده، نقش ایران در تأمین برق و گاز عراق و ظرفیت دیپلماسی زیارتی و گردشگری مذهبی از جمله ظرفیت‌هایی هستند که در صورت مدیریت صحیح می‌توانند موجب تثبیت حضور اقتصادی ایران در عراق شوند.

تحلیل دقیق نشان می‌دهد که موفقیت ایران در عراق مستلزم تغییر رویکرد از سیاست‌محوری به اقتصادمحوری است. این تغییر رویکرد شامل تقویت دیپلماسی اقتصادی فعال، حمایت واقعی از بخش خصوصی، ایجاد سازوکارهای مالی جایگزین دلار، افزایش کیفیت و استانداردهای کالاهای صادراتی، همکاری با نخبگان و سرمایه‌گذاران عراقی و تفکیک حوزه‌های سیاسی و اقتصادی است. چنین رویکردی نه تنها امکان بهره‌برداری از فرصت‌های اقتصادی را فراهم می‌کند، بلکه باعث کاهش ناکامی‌ها و ریسک‌های ناشی از مداخله ملاحظات سیاسی در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی می‌شود. با اجرای این سیاست‌ها، ایران می‌تواند شبکه‌ای مستحکم و پایدار از روابط اقتصادی با عراق ایجاد کند که ضمن افزایش درآمد ارزی و تثبیت جایگاه اقتصادی ایران، به توسعه روابط استراتژیک و بلندمدت سیاسی و اجتماعی میان دو کشور نیز کمک می‌کند. تغییر تمرکز از ابزارهای سیاسی به ابزارهای اقتصادی و افزایش نقش بخش خصوصی، علاوه بر کاهش وابستگی به شرکت‌های دولتی، موجب انعطاف‌پذیری و رقابت‌پذیری بیشتر ایران در بازار عراق خواهد شد. نتیجه این تحلیل این است که اقتصادمحوری، کلید بهره‌برداری مؤثر از ظرفیت‌های عراق است. ایران با طراحی استراتژی جامع اقتصادی، ایجاد زیرساخت‌های لجستیکی و بانکی مناسب، ارتقای کیفیت کالاها و خدمات، و بهره‌گیری از سرمایه انسانی و تخصصی عراقی، می‌تواند حضور خود در عراق را به یک رابطه پایدار، سودآور و استراتژیک تبدیل کند. در نهایت، این پژوهش نشان می‌دهد که موفقیت اقتصادی ایران در عراق تنها با ترکیبی از سیاست‌گذاری هوشمندانه داخلی، مدیریت روابط بین‌المللی و بهره‌گیری از فرصت‌های ساختاری عراق ممکن است. پیشنهاد می‌شود که سیاستگذاران اقتصادی و تجاری ایران، برنامه‌های بلندمدت و عملیاتی مبتنی بر اقتصاد سیاسی بین‌الملل تدوین کنند تا چالش‌ها کاهش و فرصت‌ها به حداکثر برسند.

## فهرست منابع

- دلفروز، محمدتقی (۱۳۹۳). دولت و توسعه اقتصادی: اقتصاد سیاسی توسعه در ایران و دولت‌های توسعه‌گرا، تهران: انتشارات نگاه.
- زارعی، بهادر (۱۳۹۷). بررسی واقع‌گرایی ایرانی از منظر جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۵۰ (۲)، ۵۱۱-۴۹۱.
- زارعی، بهادر (۱۴۰۰). نگاهی نو به توسعه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۸۷). روزگاران، تهران: انتشارات علمی.
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۹۲). عقلانیت و آینده توسعه‌نیافتگی در ایران. تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
- شعبانی، رضا (۱۳۹۴). ایرانیان و هویت ملی، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- طباطبایی، سیدجواد (۱۳۹۸). ملت، دولت و حکومت، تهران: انتشارات مینوی خرد.
- عباسی سمنانی، علیرضا (۱۳۹۲). موقعیت ژئوپلیتیک ایران در مناسبات قدرت منطقه‌ای و جهانی، سپهر، ۲۲ (۸۶)، ۹۶-۱۰۴.
- عظیمی، حسین (۱۳۹۶). اقتصاد ایران امروز، تهران: انتشارات نی.
- غرایاق زندی، داوود (۱۳۸۷). محیط امنیتی پیرامون جمهوری اسلامی ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۹۹). بیست نکته درباره حوادث آبان ماه. سایت تلگرام.
- کاتوزیان، محمدعلی همایون (۱۳۹۱). اقتصاد سیاسی ایران، ترجمه محمدرضا نفیسی، تهران: نشر مرکز.
- کاتوزیان، محمدعلی همایون (۱۳۹۶). ایران جامعه کوتاه‌مدت، ترجمه عبدالله کوثری، تهران: نشر نی.
- کریمی‌پور، یدالله (۱۳۹۴). جغرافیا نخست در خدمت صلح، تهران: انتشارات انتخاب.
- کریمی‌پور، یدالله (۱۳۸۴). مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان: منابع، تنش و تهدید، تهران: انتشارات دانشگاه تربیت معلم.
- میور، ریچارد (۱۳۷۹). درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- Friedman, George, & Jacob, L. (2017). The geopolitics of 2017 in 4 maps. Retrieved from [https://geopoliticalfutures.com/wpcontent/uploads/2015/11/ME\\_logo\\_lar\\_ge.jpg](https://geopoliticalfutures.com/wpcontent/uploads/2015/11/ME_logo_lar_ge.jpg)

UNCTAD. (2019). Helps strengthen international trade statisticians' skills and capacity, for a continuous flow of high-quality statistics amid pandemic-induced challenges.